

هالند بعد از جنگ

نفس راحت

بیانیه مارشال درهالند نفس راحت آفرید. حکومت هالند از چندین ماه بدینطرف در چنگال بحرانی قرار داشت که بوسیله کسر فزاینده در بیلانس تادیات بوجود آمده بود. خرید کالاهای امریکایی که برای اعمار مجدد کشور اجتناب نا پذیر بود تهدید بزرگی را متوجه ذخایر ملی اسعار میساخت. حکومت بر سر یک دو راهی قرار گرفته بود: یا باید واردات را قاطعانه کاهش میداد که برای سطح تأمینات مردم عواقب جدی بار می آورد و منجر به پس انداختن روند احیای اقتصادی میشد، و یا اینکه واردات را کم و یا بیش در سطح ثابت حفظ مینمود که بوسیله ذخایر اسعاری به سرعت منهدم میگردد و هالند بطرف افلاس بحرکت می افتاد. در چنین اوضاع نفس راحت وقتی کشیده شد که مارشال در شروع جون آمادگی امریکا را برای بذل کمکهای دالری به کشورهای اروپایی بخاطر احیای اقتصاد ویران آنها اعلان نمود.

اولین دوسال بعد از جنگ

خسارات جنگ

از جمله کشور های متحده اروپای غربی سنگین ترین ویرانیهای جنگ بر هالند تحمیل گردیده بود. در پهلوی ضیاع جان ۲۳۰۰۰۰ انسان ، جنگ خسارات عظیم مادی بجا گذاشته بود. آن بخشهایی از صنایع که در جنگ نابود نگردیده بود بوسیله نازیها غارت شده بود. فابریکه های مکمل شیل ، فلپس ، اونیلیور واتحادیه عمومی ابریشم مصنوعی (AKU) به آلمان انتقال یافته بود. بهمین ترتیب ، فابریکه تولید فلزات تخته ای ، تأسیسات کوره های بلند و تمامی ماشین و آلات تصفیه گاه های پرنیس در روتردام نا پدید گردیده بود. فابریکاتی که نابود نشده بودند و یا انتقال نیافته بودند، همه کهنه و استهلاک شده بودند. تولیدات صنعتی در سال ۱۹۴۵ صرف سی فیصد سطح سالهای قبل از جنگ را تشکیل میداد. تأمینات انرژی نیز به رکود گرائیده بود. در معادن لیمبورگ کمتر از یک چهارم مقدار زمان قبل از جنگ ذغال سنگ استخراج میشد.

برای آن مقدار کمی که تولید هم میشد ترانسپورت تقریباً وجود نداشت. کمتر از نصف تعداد واگنهایی باقیمانده بود که قبل از جنگ وجود داشت و اکثریت آنها هم استهلاک شده بودند. بخش بزرگ راه ها منهدم گردیده بود. آلمانها بسیاری پل ها را منفجر ساخته بودند. از شبکه راه های آهن در نتیجه تخریب و تاراج حتی بیست فیصد حالت قبل از جنگ هم باقی مانده بود. تمامی واگنهای انتقال امتعه ، تمامی لوکوموتیف های برقی و تقریباً تمام لوکوموتیفهای بخار به آلمان برده شده بود. همچنان وسایل ترانسپورت آبی بصورت جدی تقلیل یافته بود. بحریه داخلی ضربه سنگین دیده بود: کشتی های دریای راین کاملاً از دست رفته بود. نصفی از بحریه تجارتي به گل نشسته بود. به بنادر زیانهای جدی وارد آمده بود. در روتردام چهل فیصد طول ساحل ویران شده بود و نصفی از تجهیزات بندری منتقل ویا منهدم گردیده بود.

در عرصه زراعت ، پس از آزاد شدن هنوز نصفی از محصولات زمان قبل از جنگ هم تولید نمیشد. ده فیصد زمینهای زراعتی زیر آب رفته بود. مناطق والچیرین و ویرینخیرپولدر تماماً در آب غرق شده بود. همچنان آن بخش ماشین و آلات و تجهیزات زراعتی که به آلمان برده نشده بود، کهنه و استهلاک گردیده بود. مالداري نیز جداً کاهش یافته بود: از بخش طیور صرف یک دهم حصه ، از خوکها کمی بیشتر از یک چهارم حصه و از گاوها کمی کمتر از سه چهارم حصه باقی مانده بود. مردم غذای کافی نداشتند و یک قسمتی هم بیخانه بودند. ده فیصد منازل مسکونی منهدم و ۲۷ فیصد منازل خساره دیده بود. به اساس نرخهای سال ۱۹۴۵ خساره عمومی جنگ به ۲۵ میلیارد گولدن بالغ میگردد. ۱

اقتصاد رهبری شده

در برابرهالند وظیفه عظیم بازیابی شکوفانی از دست رفته آن قرارداد شد . همه چیز کمبود بود: کمبود غذا ، مواد سوخت ، لباس ، پاپوش ، مسکن ، وسایل خانه و امثال اینها. تکثر سریع نفوس احساس این کمبود را قویتر میساخت . در زمان جنگ نفوس هالند بمقایسه سال ۱۹۳۹ شش فیصد افزایش یافته بود. در سال ۱۹۴۵ نفوس کشور به بیش از نه میلیون و در سال ۱۹۵۰ به ده میلیون رسید . ۲ سرعت افزایش نفوس در هالند ، طور مثال ، در مقایسه با بلجیم چهار برابر بود.

در آغاز کار، حکومت نمیتوانست کار بیشتری انجام دهد بجز آنکه داشته های ناچیز را از طریق رویدست گرفتن سیستم جیره بندی عادلانه توزیع کند. به هدف فایق آمدن بر خسارات جنگ ، حکومت مشی اقتصاد رهبری شده را که در زمان جنگ معمول گردیده بود، ادامه میداد. حکومت با اتخاذ مجموعه ای از تدابیر در عرصه های معاشات ، قیم ، تولیدات ، صادرات ، واردات، سرمایهگذاریها، توزیع ، اسکان ، و دوران پول تقریباً تمام حیات اقتصادی را اداره مینمود.

یک بانکوت ده گولدنې از طرف وزیر مالیه

وضعیت مالی - اسعاری زیاد برهم خورده بود: حجم پول در زمان جنگ چهار برابر شده بود ، درحالیکه کمیت کالاها وخدمات جداً کاهش یافته بود . عدم تناسب پول وکالا خطر انفلاسیون مهار ناشدنی را در خود نهفته داشت. سطح قیم قبلاً در زمان جنگ دو چند بالا رفته بود. مقدارهای عظیم پول در دست فعالین بازار سیاه متمرکز گردیده بود .

بناءً پ . لیفتینک وزیر مالیه ، در سپتمبر ۱۹۴۵ یک دستورالعمل خیلی جدی را به هدف پاکسازی پول مرعی الاجرا قرار داد که بوسیله آن حجم پول کم شد و در اندوخته های غیر مشروع زمان جنگ تصفیه بعمل آمد. اولاً پولهای کاغذی باطل اعلان شد وتمام حسابات بانکی بلاک گردید. به تعقیب آن تبدیلی پولهای کهنه آغاز شد که در ضمن برآن یکنوع مالیه بنام مالیه پاکسازی دارایی وضع گردید. این مالیه بر پنجاه تا هفتاد فیصد اصل دارایی بالغ می گردید واگر احياناً مدرک درآمد دارایی ها مشکوک بنظر میآمد، مالیه مورد نظر تا نود فیصد بالا میرفت . بدینترتیب ، استفاده جویان زمان جنگ بیکبارگی از اندوخته های خود محروم شدند . در هفته اول هرکس میتوانست صرف معادل ده گولدن نو پول کهنه را تبدیل کند: « یک ده گولدنې از طرف لیفتینک » . با پاکسازی پول ، لیفتینک ثبات پولی را اساسگذاری نمود.

داس ها درخشیدند، داس ها درویدند

« بی مروت » شرنګ کنان بزمین ریخت

وزیر مالیه در سپتمبر ۱۹۴۵ حجم پول را خورد ساخت. تاجران بازار سیاه در یک چشم بهم زدن از ثروتی که در زمان جنگ اندوخته بودند محروم شدند.
(نشریه هالند آزاد، ۲۲ سپتمبر ۱۹۴۵)

اتتلاف کاتولیک ها_ سرخ ها

لیفتینک قبل از جنگ عضو اتحادیه تاریخی مسیحی (CHU) بود، اما بعدازجنگ شامل حزب کار شد . حزب جدید کار به این امید ایجاد گردیده بود تا همکاری ها میان جریان های مختلف فکری که در زمان جنگ وجود داشت به قوام پایه های سیستم سیاسی میهن منجر شود. حزب سابق سوسیال دموکراسی در حزب کار مدغم شد. همچنان یکعده لبرالها ، پروتستانتها وکاتولیکهای مشهور خودرا به حزب جدید متعلق ساختند. مگر زمانیکه اولین کابینه بعد از کار غیر مسئولانه است . احتمالاً من تحت تأثیر جسارت جوانی چنان ریسک بزرگ را متقبل شده بودم که اینک مدتها بعد بحیث یک بانکدار سابقه دار از یاد آن بلرزه مبّایم . اما باید تذکر داد که یک صرفه جویی شدید وکوتاه مدت بلا فاصله قبل از آغاز کمکهای مارشال بازسازی اقتصادی را طور فرض ناشدنی به عقب می انداخت . « دو ماه بعد کمکهای مارشال به واقعیت مبدل شد ، در حالیکه پیشینی ها به اندازه کافی محتاطانه بود. فان دن برینک با رضائیت مندی تأکید میورزید: »
اقتصاد هالند با قوت تمام شامل مرحله کمکهای مارشال گردید.» ۱۷